



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۷۸۸۶۵۴۳۹۰ نامبر: ۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۰ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۳-۸۸۸۱۲۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۴ اذان صبح فردا ۵:۰۱ طلوع آفتاب ۶:۲۵

مرگ مولف

یادداشت و عکس اختصاصی
همسر «قیصر امین‌پور»

تو و باران همزادید



زیبا اشراقی

● دیروز پاییز بر برگ‌ها زد و امروز بر تن من دست کشید! دو باره آمدای. شدیدتر از همیشه با باران. بهار یا پاییز فرقی نمی‌کند. تو و باران همزادید. در فصل اعتدال که جهان جز تو چیزی کم ندارد، فقط جای تو خالی است.

این روزها شدیدتر از همیشه با من!

آمدای و با منی سر کلاس‌های دکتر شفیعی کدکنی، در راهروی گروه ادبیات و لایه‌لای اوراق عطار و خاقانی...

بوی دست‌های تو

بوی دست‌های تو می‌وزد

از لای این کتاب‌ها

رد انگشت‌های تو را می‌گیرم

در لایه‌لای نظریه‌های نقد ادبی معاصر

چند بار این کتاب را ورق زده بودی؟

چشم‌هایم را می‌بندم

و نفس عمیق می‌کشم...

کنارم می‌نشینی

و با من کتاب را ورق می‌زنی

می‌دانم

می‌دانم

دلت برای کتاب‌هایت

برای لباس‌هایت

برای دوستانات

و برای دختر کت آیه تنگ

شده است...

از کجا می‌دانم؟



مخبرالدوله

پژمان جمشیدی و کودکان کار

● شرق: جشنواره فیلم شاپرک‌های شهر، یک‌ماه دیگر در تهران و استانبول در حمایت از کودکان کار برگزار می‌شود. نام‌های شناخته‌شده‌ای همچون منیژه حکمت و ابوالفضل جلیلی جزو داوران و همراهان این جشنواره هستند. برگزاری جشن شاپرک‌های امید، یکی از برنامه‌های حاشیه‌ای این اتفاق است. پژمان جمشیدی بازیکن فوتبال که این‌روزها در سریال پژمان نیز بازی می‌کند، درباره وظیفه هنرمندان و دول‌ترمدان اظهارنظر کرد و گفت: «مسوولان و دولت می‌توانند با اعمال سیاست‌های پایدار و بنیادی در مدت‌زمان کمی هنجارچاری‌ها و معضلات اجتماعی را رفع کنند و یک مقداری چهره شهر را تمیز کنند.» او که در جشن حمایت از کودکان کار شرکت کرده بود، معتقد است: «هنرمندان وظیفه دارند در کودکان آسیب‌دیده را فریاد بزنند. چراکه به‌واسطه حضور آنها در چنین عرصه‌هایی به جامعه تلنگری وارد می‌شود که کمترین نتیجه آن، همت دستگاه‌های متولی و مردم برای رفع مشکلات این بچه‌هاست.»

ادامه از صفحه اول

«قیصر» و روزگار آمدنش

شاعر بود. نه در زبان، که پیش از آن در اندیشه و پس از آن در رفتار. از این‌رو توانست شعر را به آکادمی و آکادمی را به شعر و هر دو را به جامعه و تاریخ پیوند دهد. زندگی‌اش خطی مدت بود نه نقاط از هم گسسته و از هم بریده. در حال‌وهوای جنگ و در حوزه سیاست همچنان بود که در عرصه زندگی و هنر عشق ورزیدن. میان هیچ‌یک از این عرصه‌ها و ساحت‌ها فاصله‌هایی نمی‌دید و نمی‌انداخت. ایستگاهی نداشت، رفتن بود ولی هیچ ایستگاهی را از یاد نمی‌برد. خودش به زیبایی «سفر ایستگاه» را سروده بود که:

قطار می‌رود،

تو می‌روی،

تمام ایستگاه می‌رود؛

و من چقدر سادام،

که سال‌های سال،

در انتظار تو،

کنار این قطار رفته ایستادم؛

و همچنان،

به نرده‌های ایستگاه رفته،

تکیه دادم،

«قیصر» خوابی را و «قیصر» ادانی را بنیاد فرو گذاشت. به

گمان من زمانه، زمانه آمدن «قیصر» است:

این روزها که می‌گذرد

هر روز در انتظار آمدنت هستم

با من بگو که آیا

من نیز در روزگار آمدنت هستم؟

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۷۸۸۶۵۴۳۹۰ نامبر: ۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۰ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۳-۸۸۸۱۲۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharghdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۴ اذان صبح فردا ۵:۰۱ طلوع آفتاب ۶:۲۵

تالار اصلی

درباره نمایش تکان دهنده «عامدانه، عاشقانه، عاقلانه»

۳ ضربه مشت از روبه‌رو



حمیدرضا صدر

سه زن در زندان به اتهام کشتن. سه زن در محبس.

زن به‌عنوان قاتل سریالی. زن به‌عنوان معشوقه قربانی شده زن به‌عنوان حافظ حرمتش. سه زن که دو تابشان اعدام شده‌اند. زن خبرنگار شخصیت پیونددهنده سه زن قاتل و عامل کتدوکلو در توصیف شخصیت‌هاست. صحنه‌پردازی استیلیزه با دیوارهای شیشه‌ای که جایه‌جا می‌شوند هزارتویی برای زنان ساخته‌اند بسیار بزرگ‌تر از زندانی که در آن روزگارشان را سپری کرده‌اند. فضایی بی‌رنگ و مضروع که آنها را محاصره کرده و به بند کشیده است.

هر سه زن از طبقات پایین

جامعه می‌آیند و می‌کوشند

با سه میدان بگذرانند و کمی

نفس بکشند اما در دام دنیایی

خشن با قواعد مردهانه گرفتار

می‌شوند. سه زن رنج‌دیده که

وسيله دفاعی‌ای جز سادگی

زنانه‌شان برابر اجتناب‌ناپذیر

بودن شرایطشان ندارند که آن

هم به هیچ گرفته شده. هر

سه زن نمونه زناتی هستند

که از درک موقعیت خود یا

دگرگون کردن آن عاجزند و به

سوی شرایطی رانده می‌شوند



گزارش اول شخص

فروخته‌شدن بلیت‌های میهمان بنیاد رودکی

«وی آی پی» شوستا کوپچ ۲۰ هزار تومان



امیر بهاری

یک محقق موسیقی به گیشه تالار وحدت مراجعه می‌کند و می‌خواهد بلیت کنسرت پاییزی گروه «تریو خیام» را تهیه کند. مرد جوانی در پیاده‌رو مقابل گیشه، بلیتی که روی دستش مانده را به او می‌فروشد. مخاطب به داخل سالن رودکی می‌آید و متوجه می‌شود بلیت صندلی شماره بشش ردیف اول یعنی ردیف او‌وی‌آی‌پی» را خریده است. روی بلیت هم اسم آقایی نوشته شده که از همکاران روابط‌عمومی بنیاد رودکی است.

یک توضیح ضروری

تالار رودکی به رقم اینکه اکوستیک بسیار خوبی دارد ولی به‌دلیل محدودیت تعداد صندلی، سالن چندان محبوبی برای اهالی موسیقی نیست. به‌تبع، تنه‌آثار ویژه و خاصی در آن اجرا می‌شود، مثل کنسرت «گفت‌وگو» علی‌قمصری یا مجموعه‌اجراهای «هفته موسیقی کلاسیک تهران»، ردیف اول سالن که ویژه میهمانان است، ۳۷ صندلی دارد. صندلی یک تا ۹ متعلق به خود سالن است و صندلی ۱۰ تا ۱۹۱ هم برای میهمانان گروه.

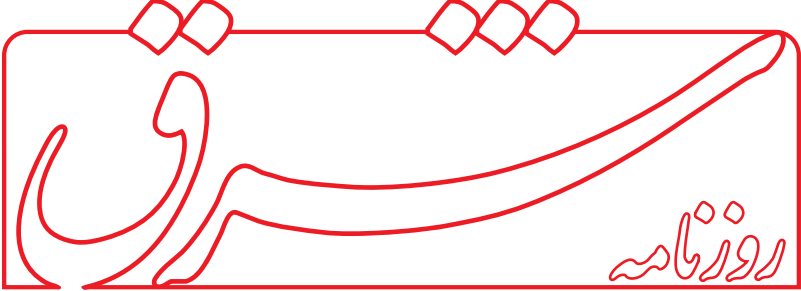
آغازی تکان دهنده

در شب کنسرت «تریو خیام» مرد جوانی به بهانه اینکه دوستش نیامده بلیت اضافی را به محقق خوشنامی می‌فروشد. این محقق داخل سالن متوجه می‌شود بلیت ردیف اول را خریده است. یعنی یکی از بلیت‌های سهم بنیاد رودکی. از آنجا که تنها روزنامه‌نگار حاضر در سالن بود، این دوست محقق به سراغم آمد و گفت به‌نظر سوزه خوبی برای پیگیری است. بلیت پشت سربرگ «نخستین جشنواره مد و لباس فجر» چاپ شده بود. بلیت‌های میهمانان این شب همگی پشت این سربرگ چاپ شده بودند. برای پیگیری با معصومه سپهریان، مدیر محترم سالن رودکی تماس گرفتم. ایشان هم توضیح دادند که از ۹ بلیتی که به سالن تعلق دارد، پنج‌بلیت به روابط‌عمومی تالار وحدت داده می‌شود تا به خبرنگاران اهدا شود و بلیت شماره شش ردیف‌یک هم جزو آن بلیت‌هایی بوده که به روابط‌عمومی داده‌شده‌است. با روابط‌عمومی تماس نگرفتم چرا که پیش از رسیدن به روابط‌عمومی بنیاد رودکی جواب سوالم پیدا شد. به یکی از همکاران زنگ‌زدم و پرسیدم

رویداد

رونمایی از مجموعه شعر «رضایی سعید»

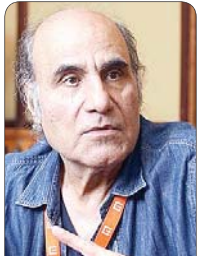
تاریک‌ترند» سخنرانی خواهند کرد. این مجموعه شامل ۴۶ شعر است که در ۵۶ صفحه توسط انتشارات بوتیمار منتشر شده است. این برنامه پنجشنبه‌نهم آبان از ساعت ۱۸ الی ۲۰ در محل کافه چرا، واقع در چهارراه ولیعصر، نرسیده به پل کالج، پلاک ۷۹۳ برگزار خواهد شد.



پنجشنبه ۹ آبان ۱۳۹۲ ۲۵ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ ۳۱ اکتبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۷۰ ۱۶ص‌ف‌حه

«امیر نادری» در جشنواره رم

شرق: درست است که سینمای ایران «امیر نادری» را در کنار خود ندارد اما این فیلمساز صاحب‌سبک ایرانی علاوه‌بر فیلمسازی در جشنواره‌های مختلفی به‌عنوان داور حضور دارد. آخرین جشنواره فیلم رم است که قرار است او به‌عنوان یکی از داوران اصلی در این جشنواره حاضر باشد. به گزارش «اسکرین‌دیلی» امیر نادری، کارگردان ایرانی، لوکا گوادالینو، کارگردان ایتالیایی، نومی لووسکی، کارگردان و بازیگر فرانسوی و ... داوران این بخش هستند. افتتاحیه هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم رم، هشتم‌تا۱۷ نوامبر (۱۷ تا۱۶ آبان) در پایتخت ایتالیا برگزار می‌شود.



از هر نظری ضرر

آیا واقعا شب‌ها فشار کمتر است؟



پوریا عالمی

به این خبر دقت کنید: «در حال حاضر شب‌ها فشار کمتر است. البته مدیریت فشار در روز هم صورت خواهد گرفت.»

خبر نامربوط

منبع این خبر کیست؟ ما نمی‌دانیم. هم من، هم سردبیر هم، مدیرمسئول، هم شهاب روی اینکه خبر بدون منبع کار نکنیم حساسیت داریم و معتقدیم کار کردن خبر بی‌منبع و غیرموشوق نوعی حرکت نامربوط است. اما چون این خبر حقایقی را بر ما روشن کرد مجبوریم آن را کار کنیم، امیدواریم تا پایان ستون منبع خبر ابراهیمی تحریریه پیدا کنند.

مدیریت فشار

برگردیم به اصل مطلب که گفته شده «مدیریت

فشار در روز هم صورت خواهد گرفت.»

- راستش من تا الان خیال می‌کردیم فشار

مدیریت نمی‌شود که اینطوری تحت فشار هستیم.

- بعد هم عجیب است چون ما شب‌ها کمتر تحت‌فشاریم. یعنی فشاری که در طول روز و در زندگی عادی شهروندی بهمان می‌آید بیشتر از فشاری است که شب بهمان می‌آید.

دیالوگ

همین الان دوستم گفت: «من به اینجا رسیده (لبش را نشان داد)، خسته شدم، چرا کسی به فکر ما نیست؟ واقعا زندگی برام سخت شده. خیلی تحت‌فشارم» من به او گفتم: «ای دوست، سلام. تو سخت در اشتباهی. بهتر است شب‌ها از خانه بیرون بیایی و زندگی کنی که فشار کمتر است.»

پیام اخلاقی

هنرمند گرامی، نویسنده عزیز، روزنامه‌نگار بدبخت، آیا تحت‌فشار هستید؟ دیگر نگران نباشید. با تمهیداتی که دولت اندیشیده است شما می‌توانید شب‌ها با خیال راحت و بدون فشار کار کنید.

وسط ستون

الان که وسط ستون هستیم، سردبیر آمد و گفت: «این خبر نصفه‌نیمه و ناقص است و اصلا ربطی به فشار زندگی ندارد، بلکه مربوط به فشار آب است، کارش نکن». و اصل خبر را گذاشت روی میز: مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران با اشاره به وقوع خشکسالی گفت: در حال حاضر فشار آب در برخی مناطق تهران در شب کاهش می‌یابد و در صورتی که مردم رعایت نکنند، مدیریت فشار در روز هم صورت خواهد گرفت و شهروندان دچار مشکل می‌شوند (ایسنا) ما گفتیم: «ای دوست، سلام، نصف ستون را نوشتم. من را بیشتر تحت‌فشار قرار نده. به اینجا رسیده است و گرنه جای روزنامه‌نویسی که فشار زیادی به آدم می‌آورد، می‌روم شنبانه می‌نوسم و پخش می‌کنم که فشارش کمتر است.» سردبیر گفت: «ای پوریا. آیا به روح اعتقاد داری؟» من گفتم: «ای دوست، سلام. من دیگر به آخر ستون رسیدم و فشار از روم برداشته شد. پایان.»

داستان کوچک

تشخیص

بورلی جکسون . برگردان: هادی عظیمی

● در طبقه پنجم یک بیمارستان، در اتاقی نشسته‌ام و به عنبکوت کوچکی که پشت پنجره است، نگاه می‌کنم. عنبکوت به چارچوب چسبیده و زیر ضربه‌های باد این سو می‌آید. او سو می‌رود، اما با این حال تار مرئی در گوشه شیشه می‌تندد. میز تونمنی که روی آن خوابیده از چوب بلوط است، و درست مثل چشم‌هایش که به رنگ لوحی سنگی است، خاکستری است، و از بالای ملافه مودچار سفید پیادست، براق است. لب‌های مرطوب و صورتی سرد آرام حرکت می‌کنند، با صدایی آرام دعا می‌خواند، مانند کشیشی تمعیددهنده که مرا به عقب تا بالای سر زیر آب‌های تیره سرازیر می‌کند، تا این‌که دیگر نمی‌توانم نفس بکشم. رو به جلو هجوم می‌برم، روشنائی طلب می‌کنم، هوا را می‌مکم، و پدیدار می‌شوم. اولین چیزی که می‌بینم، پنجره است. عنبکوت که دستخوش باد به هوا برخاسته، روی یک رشته تنها تلوتلو می‌خورد. پاهای دراز و نحیفش از هم باز می‌شوند، خم می‌شوند، و بعد می‌افتد.

آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو

بامعوزرسی ازوزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۹۰/۶/۱۵

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی

سایت موج نو را دیده اید؟

www.mojenofilmschool.com

ندارد و یک کار کارمندی و هفتگی ثابت شده که باید سر یک‌ساعتی شروع و تمام شود. فردوسی‌پور به روزهای بدش نزدیک شده است و باید تجدید قوا کند. دست‌کم مخاطب تلویزیون در این هروت به او نیازمند است.

هافیک چپ

آیا سیر نزولی «نماد هوشمندی تلویزیون» آغاز شده؟

هر چه بالاتر، سقوط درناک‌تر



سحر طلوعی

آیا سیر نزولی «نماد» هوش و ذکاوت تلویزیون شروع شده است؟ آیا عادل فردوسی‌پور «افت» کرده است؟ آیا مجری یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی نیازمند «ریکاری» و تجدیدقواست؟ پاسخ همه این سوال‌ها با مرور برنامه یک ماهه گذشته ۹۰ به دست می‌آید. از آخرین برنامه شروع کنیم.

۱- تسلیت به بازماندگان فاجعه سرالوان کار پسندیده‌ای است، اما این کار پسندیده، نیازمند کلمات قلنبه، سلبیه نیست. نیازمند ورود به ادبیاتی نیست که فردوسی‌پور به آن تعلق ندارد. به جای استفاده از این جمله غریب و البته کمی عجیب «تعدادی از هموطنانم در سرالوان «متأسفانه» و «درجه رفیع شهادت» نائل شدند»، می‌شد از یک جمله تسلی‌دهنده ساده استفاده کرد. شاید در نگاه

اول این جمله «گاف» به نظر نیاید و اشتباه «ایی» باشد؛ هست، اما واقعیت این است که فردوسی‌پور مدت‌هاست با برجسته‌سازی اشتباه «ایی» بسیاری از مدیران عامل باشگاه‌ها، مربیان و بازیکنان و تماشاگران، مخاطبان برنامه‌اش را سرگرم کرده است. فردوسی‌پور به همین اشتباهات کلاسی باورود میهمانان برنامه‌اش به حوزه‌های غیرتخصصی‌شان، ریز خندیده و مدت‌ها آن را دست گرفته و ... لا‌بد برنامه ۹۰» پخش شد. از فردوسی‌پور توقع نمی‌رود برای بیان کلمات خود، وارد ادبیاتی شود که به آن مسلط نیست. وررفتن زیاد با کلمات، مجریان را به ورطه هولناک پرت‌گویی می‌اندازد.

۲- فردوسی‌پور، پژمان جمشیدی را دعوت کرده تا با او درباره سریال «پژمان» حرف بزند - و البته آن گونه که می‌گویند - او را دعوت کرده و تمام دستش بیندازد (اشکالی هم ندارد، فردوسی‌پور با پژمان جمشیدی آنقدر صمیمی هست که چنین ادعایی داشته باشد)، اما در نخستین رویارویی قافیه را می‌بازد. جمشیدی می‌گوید سریال «پژمان» ۲۶ قسمت است و تا به حال ۱۵ قسمت آن پخش